

تاریخ ترکهای آسیای میانه

و. بارتولد، تاریخ ترکهای آسیای مرکزی،* ترجمه به زبان فرانسه و ویرایش بانوم، دونسکیس، ترجمه به فارسی: غفار حسینی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۶.

اخیراً از واسیلی ولادیمیر وویچ بارتولد مستشرق پرآوازه، روس کتاب تاریخ ترکهای آسیای میانه به فارسی برگردانده شده و به همت انتشارات توس، در اختیار خوانندگان فارسی زبان قرار گرفته است. بیش از آن در سال ۱۳۷۵ نیز اثری از بارتولد با عنوان جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام^۱ به چاپ رسیده بود. بدین ترتیب بارتولد که برای پژوهشگران ایرانی چهره‌ای کاملاً شناخته شده است. همچنان در عرصه تحقیقات دوره تمدن اسلامی حضور خود را حفظ کرد. بیش از آن بارتولد با دو اثر معروف خود در ایران شناخته شده بود. یکی ترکستان نامه یا ترکستان در عهد هجوم مغول^۲ و دیگری آبیاری در ترکستان^۳. نیز خاورشناسی در روسیه و اروپا^۴ و نیز کره جغرافیای تاریخی ایران^۵ او آثار متعدد دیگری نیز دارد که تاکنون به فارسی برگردانده شده‌اند مانند مسیحیت در آسیای میانه (۱۸۸۹م)، فرهنگ و تمدن مسلمانان (۱۹۱۸م)، تاریخ ترکستان (۱۹۲۲م)، تاریخ زندگی فرهنگی ترکستان (۱۹۲۷م).

بارتولد در سال ۱۸۶۹م. در شهر سن پترزبورگ به دنیا آمد و پس از طی مدارج علمی در سال ۱۸۹۶ م. به تدریس در دانشگاه زانگاه خود پرداخت. او تا پایان عمر خویش که ۱۹۳۱ و به سن شصت و یکسالگی بود به انجام تحقیقاتی و تألیفات متعددی دست زد و آثار فراوانی از خود به یادگار گذاشت. هر چند سالهای پایانی عمر او مصادف با استقرار رژیم بلشویکی در روسیه بود اما شکل‌گیری تحقیقات و تألیفات او مربوط به آخرین سالهای عمر روسیه تزاری است و اگر چه در زمان اتحاد شوروی نیز عهده‌دار مشاغل و ماموریت‌های رسمی بود و تألیفاتی را به انجام رسانده، اما نمی‌توان او را در ردیف نویسندگان متأثر از متفکر شوروی به شمار آورد. با این حال می‌توان بدین نکته اشاره داشت که آنچه که او در طول زندگی علمی خود بدان پرداخت مورد توجه هم روسیه تزاری و هم نظام بلشویکی بوده است و آن معضل و مشکل متصرفات روسیه در سمت شرق دریای خزر یعنی جایی که بدان آسیای میانه یا آسیای مرکزی یا ترکستان و نیز در محدوده‌های کوچکتر ماوراءالنهر نام داده‌اند.

روسها در اواخر قرن نوزدهم آسیای میانه را به تصرف خود درآوردند آنها در سال ۱۸۶۵ م. تاشکسند، در ۱۸۶۸ سمرقند، ۱۸۶۹ م. کراسنودسک، در ساحل در مازندران و در ترکمنستان کنونی، در ۱۸۷۱ م. اندیجان، در ۱۸۷۳ خیوه یا ایالت خوارزم باستانی، در ۱۸۷۶ بخارا، در ۱۸۸۱ م. عشق آباد، در ۱۸۸۴ م. مرو، در ۱۸۸۵ پنج‌ده در مرز افغانستان و ترکمنستان کنونی و در همان سال بخشی از پامیر در تاجیکستان کنونی را متصرف شدند.^۷ بیشتر وی در آسیای میانه روسها را با ایرانی‌ها مواجه ساخت که منتهی به عقد معاهده آخال () و تعیین خط مرزی کنونی شمال شرقی ایران شد. در

نواحی دور دست آسیای میانه چینی‌ها قرار داشته که به دلیل انحطاط امپراتوری مشکلی اساسی برای روسها به وجود نیامد. اما حضور استعمار انگلستان در هند که دامنه آن به افغانستان نیز کشیده شده و مسائل هرات را در روابط ایران و انگلستان بوجود آورده بود برای روسها ممانعتی در سطح بین الملل را به وجود آورد. هر چند روسها سر انجام با انگلستان به مصالحه رسیدند و معاهده‌ای در مورد پامیر و نیز معاهده‌ای در سال ۱۹۰۷ م. برای تقسیم و تعیین حدود میان خویش در مرزهای شمالی افغانستان به توافق رسیدند. بدین ترتیب در اواخر قرن نوزده و سالهای آغازین قرن بیستم آسیای میانه بار دیگر به عرصه پرتب و تاب روابط بین الملل بازگشت. از زمان کشف راههای دریای مغرب آسیا و آفریقا به اروپا از طریق اقیانوس اطلس (آخر قرن ۱۵ م. و اوایل قرن ۱۶ م.) که منتهی به دور ماندن آسیای میانه از تجارت بین الملل و تحولات جهانی شد، بار دیگر این منطقه در معادلات جهانی سهمی بدست می‌آورد. اما بدون شک این تحولی برخاسته از شرایط خارجی آسیای میانه بود نه تحولی که از درون آن آغاز شده باشد. کما اینکه با تفاهم روسها و انگلیسی‌ها بار دیگر آسیای میانه به انزوای چند قرن گذشته خود بازگشت کرد. اصطلاحات آسیای میانه مرکزی از میراث‌های همان دوران است و در پیدایش و رواج آنها شرایطی همچون پیدایش اصطلاح خاورمیانه را می‌توان تا حدودی مشاهده کرد. سفرنامه معروف وامبری که به فارسی نیز ترجمه شده است و بعضی از سفرنامه‌های ایرانی نمونه‌هایی از تلاشهای آن دوران در مورد آسیای میانه است.

هر چند دو قدرت بزرگ یعنی روسیه و بریتانیا به توافقی میان خویش در عرصه استعمار گرمی دست یافتند اما این به معنای آرامش اراضی تصرفی روسها در آسیای میانه نبود زیرا شورشهای سامان یافته از جانب نقشبندی‌ها و نیز پیچیدگی مناسبات قومی در آسیای میانه مشکلات فراوانی به دنبال آورد. مشکلاتی که خیلی زود در قفقاز و قسمتهای دیگری از امپراتوری تزاری از جمله سواحل دریای سیاه و شمال دریای مازندران نیز بر حذر کرد. بدین ترتیب که حضور گسترده اقوام ترک در امپراتوری تزاری عنصر ترک، را به صورت معضل و مسئله‌ای برای تزارها جلوه‌گر ساخت و در همان حال رشد احساسات پان‌تورانیسم در امپراتوری در حال زوال عثمانی امواج نیرومندی در میان ترک‌زبانان تحت سلطه روسها بوجود آورد.

پان‌تورانیسم بعنوان یکی از بحث‌انگیزترین مسائل نیمه دوم قرن نوزدهم اساساً از ضعف و زوال امپراتوری عثمانی ناشی شد. در بالکان زیر فشار روسها و اتریش و نیز انقلابات ملل بالکان عثمانی‌ها بسیاری از متصرفات خود را از دست دادند و در همان حال گروههایی از ترک‌زبان به زیر سلطه دول و ملل دیگر درآمدند. تقریباً در سراسر سواحل دریای سیاه باستانی ساحل جنوبی آن عناصر ترک و تاتار از دولت عثمانی جدا و تابع دول دیگر بخصوص روسیه شدند. عناصر

داخلی امپراتوری عثمانی مانند عرب ها، کردها، ارمنی ها و دیگران نیز مایل بودند سر از اطاعت عثمانی بکشند. پیدایش عثمانیان نو مرکب از سیاستمداران و روشنفکران اصلاح طلب عثمانی واکتشی در برابر این انحطاط و زوال بود. آنان هر چند در داخل برای اقوام تابعه از حقوق مدنی و تساوی سخن می گفتند و به مشوق تنظیمات بودند.^۸ لیکن در خارج از عثمانی سیاستی تهاجمی در پیش گرفته و بعنوان حربه ای علیه روسها سخن از پان تورانیسم به میان آورده مدعی اتحاد ترک زبان آسیای میانه، شمال خزر، قفقاز تا اطراف دریای سیاه با ترکان عثمانی شدند. آنان تورانیسم را با پان اسلامیسیم نیز آمیخته بودند و بر این باور بودند که حربه موثری علیه روسها بدست آورده اند. در مقابل روسها نیز ضرورت شناخت هر چه بیشتر مناطق تصرفی خود در آسیای میانه، قفقاز و به طور کلی اقوام مسلمان و ترک و نیز گروههای دیگری مانند قارس زبانان و دیگران را دریافتند و این خود موجب توسعه شرق شناسی در روسیه گردید. به میدان آمدن بارتولد در مورد آسیای میانه و مینورسکی در مورد قفقاز در چنین شرایطی صورت گرفت. با این حال قدرت علمی و قوت تحقیقی آنان تا بدان حد است که چنین شرایطی از ارزش کار آنان کم نمی کنند. بارتولد خود در کتاب خاور شناسی در روسیه و اروپا رابطه خاورشناسی روسها با فتوحات آنان در نواحی مختلف آسیا را صراحتاً متذکر شده است. اثر پراوازه او یعنی ترکستان نامه با ترکستان در عهد هجوم مغول حاکی از رشد دانش روسها در خصوص متصرفات آسیایی آنها در آسیای میانه است. در هنگام سلطه روسها و اشغال آسیای میانه سه خان نشین خیوه، بخارا و خوقند آسیای میانه را در اختیار داشتند و در فرایندی چند ده ساله کم کم این خانات مضمحل شدند در حالی که فرمانداری ایالت ترکستان روس را که شامل هر سه خان نشین بود اداره می کرد. اما کثرت اقوام و پیچیدگی شرایط سیاسی و اجتماعی آسیای میانه اداره آن نواحی را سخت دشوار می نمود. با بروز انقلاب بلشویکی در روسیه (۱۹۱۷ م.) و کشیدن دامنه آن به آن نواحی و در حالی که استقلال طلبی و بلشویسم میدان داری می کردند و یا یکدیگر معارضه داشتند طرح تقسیم آسیای میانه به جمهوری های قومی پنج گانه قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان تا سال ۱۹۲۱ م. صورت گرفت و بلشویک ها تحت فرمان گرفتن آنها موفق شدند. این نشان می داد که تحقیقات تاریخی و قوم شناسی تا چه حد مفید بوده است. در حالی که می دانیم تاریخ آسیای میانه که همان خراسان بزرگ باشد از روزگاران دور تا عصر خانات سه گانه قرن نوزده تا چه متحول و متغیر بوده و فراز و نشیب بسیار و اختلاط فراوان اقوام و فرهنگها را از سر گذرانده است. جامعه ای که هم اکنون نیز در حال تحول است و اکنون پس از فروپاشی شوروی بار دیگر متوجه عناصر خارج از آن واقع شده است.

جغرافیای آسیای میانه محسوب می شود کتاب تاریخ ترکهای آسیای میانه به شناخت اقوام و قبایل آن حدود اختصاص دارد. فصول دوازده گانه کتاب به شرح زیر است

فصل اول: تاریخ ترکهای آسیای میانه
فصل دوم: دوران پیش از تاریخ ترکها
فصل سوم: زبانشناسی تطبیقی گویشهای ترکی
فصل سوم: ترکها در ترکستان
فصل چهارم: گسترش اسلام در ماوراءالنهر
فصل پنجم: آسیای میانه در قرن یازدهم
فصل ششم: پیشروی اوغوزها
فصل هفتم: قراقائیان و تمدن ترکی در کاشغر
فصل هشتم: شاهان خوارزم در برابر مغولان
فصل نهم: ارودی زرین
فصل دهم: مغولهای آسیای میانه
فصل یازدهم: زوال مغولها
فصل دوازدهم: ترکی شدن امپراتوری مغولها

بدین ترتیب بارتولد راهی را که برای شناخت اقوام ترک دیده همان سیر تاریخی حضور و اقتدار آنها در ماوراءالنهر کاشغر و خراسان است و از ترتیب تاریخ سیاسی بهره برده است تا آنکه به شرایط زمان حیات مؤلف منتهی شده است یعنی نیمه دوم قرن نوزدهم. ملاک اصلی بارتولد در این سیر ترک به عنوان یک واحد زبانی است و خود را گرفتار پیچیدگی های ناشی از اختلاط اقوام و تبدیل نظامات ایلی نکرده است. این راهی بوده است که بسیاری از مستشرقان ترک و مغول شناس قرن نوزدهم از جمله دسون فرانسوی نویسنده تاریخ بزرگ مغول، گروسه فرانسوی نویسنده امپراتوری صحرانوردان و رمزی نویسنده مصری تلفیق الاخبار طی کرده اند. پیش از آن نیز مورخان بزرگ ایرانی چون رشیدالدین فضل صاحب جامع التواریخ، میرخوانده نویسنده روضه الصفاء، خوامیر نویسنده حبیب السیر یا معین الدین یزدی نویسنده مقدمه طر فرنامه نیز چنین روشی را به کار بسته بودند. اما آنچه که بار دیگر موضوع را جالب توجه ساخته بحران ملتهای آسیای میانه است که در پی فروپاشی شوروی رخ نموده و مترجم نیز در مقدمه کتاب بدان اشاره کرده است.^۹

زیرنویس ها:

• روی جلد آسیای میانه و داخل جلد آسیای مرکزی آمده است.

۱- ویتسلی ولادیمیر وویچ بارتولد، جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام، ترجمه لیلارین شه، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ۱۳۷۵

۲- و.و. بارتولد، ترکستان نامه: ترکستان در عهد هجوم مغول، ترجمه کریم کشاورز، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران چاپ دوم ۱۳۶۶، (چاپ اول بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲).

۳- و.و. بارتولد، آبیاری در ترکستان، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (۷۶)، تهران، ۱۳۵۰

۴- و. بارتولد، خاورشناسی در روسیه و اروپا، ترجمه حمزه سردانور، انتشارات ابن سینا، تهران.

۵- و. بارتولد، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردانور، انتشارات نوس، تهران، چاپ دوم ۱۳۵۸.



۶- و. بارتولد، تاریخ ترکهای آسیای میانه، ترجمه دکتر غفار حسینی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۶، ص ۸ و ۹

7- Martin Gilbert, Imperial Russian History Atlas, Koutedye and Regan Paul, London, 1978, P.P. 61-62

۸- وین ووسیچ، تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه سهیل آذری، کتابفروشی تهران، ۱۳۳۶، ص ۹۷ به بعد و ۲۰۱ به بعد.

۹- بارتولد، تاریخ ترکهای آسیای میانه، مقدمه مترجم، ص ۷ به بعد